

[۲]

ارجنامه‌ای برای مرحوم دکتر احمد مهدوی دامغانی

دکتر محمدرضا فخرروحانی^۱

یکی از درس‌های تاریخی این است که این مرز و بوم در روزگاران گذشته پناهگاه و محل تولید و باروری اندیشه‌های آنانی بوده که در موطن اولیه و اصلی خویش گرامی‌شان نمی‌داشتند، پس از آن که به ایران آمدند عزت و احترام یافتند و بخش بزرگ و جدایی‌ناپذیری از فرهنگ و تمدن و هویت ایرانی را تشکیل داده‌اند. یکی از طنزهای فکربرانگیز تاریخ این است که در همین روزگاران اخیر قدر و قیمت بزرگانی همچون مرحوم دکتر مهدوی دامغانی چنانچه باید شناخته نشده، سبب هجرت وی به دیگر جاها شدند. اما او بزرگ‌تر و والاتر از آن بود که خود را به استحباب سیاسی بیالاید و بلندگوی این یا آن دسته و گروه بشود. شأن او اجل از این بود که حویت خود را نزد این یا آن گروه سیاسی به حراج بگذارد. حریت وی واقعاً تحسین‌برانگیز است.

مرحوم دکتر احمد مهدوی دامغانی در سال ۱۳۰۵ شمسی در مشهد در خانواده‌ای روحانی به دنیا آمد. پدرش مرحوم آیه‌الله مهدوی دامغانی از بزرگان مشهد بود. وی پس از کسب دانش‌های اولیه در ادبیات عرب و فارسی در حوزه علمی مشهد به این توفیق دست یافت که در سن خردسالی حافظ قرآن کریم بشود. از محضر بزرگان حوزه علمی مشهد استفاده‌ها برد. از هم‌درسان وی در مشهد می‌توان به شیخ کاظم مدیرشانه‌چی، شیخ محمد واعظ‌زاده خراسانی، دکتر عبدالجواد فلاطوری، آیه‌الله سید جعفر سیدان و حضرات آیه‌الله العظمی سید علی حسینی سیستانی، مرجع تقلید اعلم شیعه و مقیم نجف اشرف اشاره کرد.

۱. استادیار دانشگاه قم.

دکتر احمد مهدوی دامغانی پس از آمدن به تهران درس‌های حوزوی را در تهران ادامه داد. از دانشگاه تهران دکترای ادبیات فارسی گرفت و همزمان به جلسات درس‌های حوزه علمیه قم هم رفته و در درس عرفان مرحوم امام خمینی هم شرکت می‌کرد. از سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۴ در دانشگاه مادرید در اسپانیا به امر تدریس ادبیات فارسی و عربی و مطالعات اسلامی اشتغال داشت. به دلیل برخی کژاندیشی‌ها، از سال ۱۳۶۶ مجبور شد که از وطن اصلی خود هجرت کند. او به آمریکا رفت و در دانشگاه هاروارد در دوره‌های دکتری و فوق‌دکتری ادبیات‌های فارسی و عربی و مطالعات اسلامی به تدریس و تربیت متخصص پرداخت. خوشحال آنانی که او استادشان بود.

در غرب سنت خوبی وجود دارد و آن اینکه برای نوابغ و پیشکسوتانی که سن و سالی از آنها گذشته و شاگردان فراوانی تربیت کرده‌اند ارجنامه در نکوداشت زحماتشان منتشر می‌شود. این کار در ایران کما بیش و البته با فراز و فرودهایی انجام می‌شود. به همت دانشجویان دکتر مهدوی دامغانی، ارجنامه‌ای در نودسالگی‌اش منتشر شد. این کتاب که در آلمان و با کمک انتشارات دی‌گوریتتر De Gruyter در سال ۲۰۱۶ منتشر شد. دارای عنوانی انگلیسی است که ترجمه آن چنین است: مقالاتی در فقه اللغة، تاریخ و فلسفه اسلامی. این مجموعه مقالات به کوشش دکتر علی‌رضا کرنگی، ویلر شکستن، روی متحده و ویلیام گرانارا (گران آرا) به سامان رسیده است. این کتاب در ضمن سلسله منشورات و منابع مهم در تاریخ و فرهنگ خاورمیانه منتشر شده و اعضای شورای نظارتی آن را استفان هایدنمن، گتفرید هاگن، آندره آس کپلونی و وری متحده بر عهده دارند.

این ارجنامه در ۴ بخش و دارای ۱۷ مقاله است. بخش اول آن به ادبیات کلاسیک فارسی و فقه اللغة آن اختصاص دارد که متیواسمیث مقاله‌ای درباره ملک الشعرا بهار دارد. مقاله بعدی آن درباره کتاب ویس و رامین به قلم رحیم شایگان است.

الهه خیراندیش مقاله‌ای درباره اشعار مربوط به نجوم را از ادبیات فارسی جمع‌آوری و بررسی کرده است.

بخش دوم درباره ادبیات و فقه اللغه عربی است. الکساندر متیوکی مقاله‌ای درباره حرکت از فارسی به سوی عربی دارد. کریستن بروستاد به مطالعه آثار سیبویه پرداخته و سارا ساوانت مقاله‌ای درباره شعوبیه ارائه کرده است.

بخش سوم که به کلام، فقه و فلسفه اسلامی اختصاص دارد دارای بیشترین مقالات است. کامبیرغنی بصیری مقاله‌ای درباره عدل الهی دارد. احمد الشمسی درباره ذکر و اسماء الهی نوشته است. روی پرویز متحده به بحث اخوت در فلسفه اخلاقی اسلامی پرداخته است. ک دیوید اوئن به بحث قیاس‌های شعری پرداخته، الیاس مهنا به ابوحیان توحیدی توجه کرده است و مقاله خانم لیندا کلارک به موضوع عقل در اندیشه شیعی معاصر اختصاص دارد. سارا التناوی به فقه شیعه و نظام درباره دین و معاد مقاله داده است.

در بخش چهارم که عنوان آن تاریخ و تاریخنگاری اسلامی است، چیس رایینسون به حکومت بنی عباس پرداخته است. مایکل کوپرسن به فضل بن سهل در تاریخ اسلام توجه کرده و آلن اوئربه ترجمه‌ای از تاریخ فیروزشاهی به قلم ضیاء الدین بارانی توجه کرده است.

مشخصات اصل کتاب به انگلیسی این است:

Korangy, A, W.M. Thackstm, R.P. Mottahedeh, and W. Granara., Essays in Islamic Philology, Lhistory, and Philosophy BerlinL . De Gruyter, 2016.